

شاخص زدگی



آقای علی سنگین
مدیر عامل شرکت تامین سرمایه امین

شاخص به کانال ۲۸۰۰۰ واحدی" و نظایر این. جالب آنکه در متن خبر هم دلایل این نوسانها، کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد و تحلیل‌های کلی و ساده به جای دلایل واقعی و کارشناسی به

سرمایه‌گذاران و مردم ارائه می‌شود. به عبارت دیگر توجه صرف به تغییرات شاخص، بدون بررسی دلایل آن و همچنین پرداختن بیش از حد به این موضوع، به یک اپیدمی در بازار تبدیل شده است. البته این پدیده فقط محدود به رسانه‌ها نیست و تقریباً بیشتر فعالان بازار، مردم عادی و حتی مسئولان، شرایط بازار را فقط با افزایش یا کاهش شاخص می‌سنجند. در حالی که بورس اوراق بهادار با کارکردهایی وسیع پیش‌بینی شده، فقط محدود به یک نماگر نیست و توجه به این نماگر نباید ما را از پیگیری کارکردهای اصلی بورس دور کند.

خوشبختانه فرابورس ایران به دلیل نپرداختن به محاسبه و انتشار شاخص، هنوز به بیماری شاخص‌زدگی مبتلا نشده است. اما راه علاج این بیماری، منتشر نکردن شاخص نیست. بلکه باید تلاش بیشتری برای معرفی کارکرد شاخص و اهداف پیش‌بینی شده برای آن و چگونگی انتشار اخبار مربوط به بورس، صورت گیرد و این تنها از طریق ارتقای دانش مالی در سطح جامعه و استفاده از کارشناسان و گزارشگران متخصص برای پوشش اخبار بورس (همانند رسانه‌های تخصصی مثل بلومبرگ، CNBC یا وال استریت ژورنال) امکان‌پذیر است.

تعداد خبرهایی که در مورد رشد یا کاهش شاخص در رسانه‌ها منتشر می‌شود، دقت کنید. تقریباً در بیشتر رسانه‌های اقتصادی و حتی غیراقتصادی، تغییرات شاخص به‌عنوان یکی از تیترهای اصلی مورد توجه قرار می‌گیرد. اما سوال این است، آیا این موضوع نیاز به این همه توجه دارد؟ آیا در کشورهای دیگر و به‌طور مشخص، بازارهای توسعه‌یافته، همین رفتار قابل مشاهده است؟

تجربه‌های اندک من حاکی از این است که اگرچه در این کشورها، نوسان شاخص مورد توجه فعالان بازار قرار دارد اما موضوع مهم‌تر، دلایل این نوسانها است. به عبارت دیگر، رسانه‌ها و تحلیل‌گران بازار به‌جای پرداختن صرف به نوسانهای شاخص، به دلایل و چرایی این نوسانها می‌پردازند و از این‌رو، بیشتر شاهد اخباری هستیم که به وقوع یک اتفاق خاص، یا انتشار یک خبر خاص و اثر آن بر رشد یا کاهش شاخص اشاره دارد. برای نمونه به این خبر توجه کنید:

"کاهش فرصت‌های شغلی ایجاد شده در اقتصاد آمریکا نسبت به ماه قبل، باعث سقوط S&P شد." در متن خبر هم بیشتر به ماهیت این اطلاعات جدید و چگونگی تاثیر آن بر فضای کلی بازار یا صنایع و شرکت‌های خاص پرداخته می‌شود. حال این موضوع را مقایسه کنید با انبوه خبرهای منتشرشده در مورد شاخص‌های بورس تهران. "رشد کاهش ۲/۱ درصدی شاخص در روز جاری"، "رشد ۱/۲ درصدی شاخص پس از ۳ روز کاهش"، "رکوردشکنی شاخص بورس تهران"، "بازگشت

در فرهنگ لغات فارسی، عبارت‌های ترکیبی وجود دارد که نشان‌دهنده علاقه یا وابستگی شدید به رفتار یا پدیده خاص هستند. این عبارت‌ها که از افزودن پسوند "زدگی" به اسامی ایجاد می‌شوند، شاید نخستین بار توسط جلال‌آل احمد پس از استفاده از اصلاح "غرب‌زدگی" در کتاب معروف او، وارد فرهنگ ایرانی شده‌اند. او، غرب‌زدگی را صفت افرادی می‌داند که بیش از حد به آداب و سنن و فرهنگ غربی توجه می‌کند و تلاش می‌کند بدون هیچ‌گونه مقاومتی و به شکل افراطی از رفتارهای آنان تقلید کنند.

عبارات مشابه دیگری از این دست، به مرور زمان به فرهنگ ما اضافه شده‌اند که کم و بیش توجه به افراطی و بدون تحلیل به پدیده‌ها، اشاره دارند. "سیاست‌زدگی" به معنی تمایل افراطی به مباحث سیاسی یا به قول آقای فکوهی، پیوند توهم‌آمیز همه امور جامعه به سیاست، "عوام‌زدگی" به معنای برداشت سطحی و مردم‌پسند از امور اجتماعی یا همان پوپولیسم و سایر ترکیب‌های مشابه از مواردی هستند که برای بیان دیدگاه یاد شده، به زبان فارسی اضافه شده‌اند. اما در این میان بدون شک جای یک عبارت خالی است:

♦ شاخص زدگی!

تعجب نکنید. توجه افراطی سرمایه‌گذاران و فعالان بازار و حتی اهالی رسانه به شاخص‌های بورس تهران، بدون هیچ کم و کاست، فقط در قالب مفهوم "شاخص‌زدگی" قابل تعریف است. به